

فقه ارتباطات

دکتر ابراهیم فیاض

چکیده

ارتباطات دانشی ذاتاً روبه‌جلو است و هم‌چنان‌که قرآن و دین تأکید دارد که روبه‌جلو بروید، ما هم نباید از این فرآورده‌های مدرنیته بترسیم. باید آنها را به خدمت بگیریم. دین یک عنصر جهان‌پدیداری هست، و جهان‌بینی دارد و جهان‌بینی نظام معنایی را شکل می‌دهد. فقها و حکما به این نظام معنایی می‌توانند کمک کنند. استاد برآن است که واکنش فقها به فرآورده‌های ارتباطاتی مدرنیته در ابتدای امر، همیشه فتوای حرمت تکنولوژی ارتباطی بوده است!

او به داستان غم‌انگیز مذهب پس‌گرا و و علم ارتباطات روبه‌جلو اشاره می‌کند و می‌پرسد اینکه بگویند حرام است، مگر مسئله تمام می‌شود؟ فقها باید برای این ماهیت مذهب روبه گذشته و علم رو به آینده فکری بکنند.

به گمان استاد، ارتباطات که دانشی روبه‌جلو هست، دین هم روبه‌جلو است و مفاد قرآن هم تماماً ضد سنت‌گرای غیرعقلانی است. او می‌گوید بشتابیم در نشان‌دهی راه دین در زندگی.

استاد به سه غریزه اشاره می‌کند: گرسنگی (مشترک حیوانات و گیاهان)؛ غریزه جنسی (فقط حیوانات و انسان) و غریزه ارتباط (مختص انسان) و می‌گوید ما تاکنون نتوانسته‌ایم از نظر فقهی با ارتباطات برخورد کنیم که یک واقعیت بسیار مسلمی هست و ما در جامعه دچار ارتداد هستیم. این ارتداد تازه شروع شده است و تنها راه نجات این است که دوباره ما مطالبه همه‌جانبه‌ای از دین را شروع کنیم و به اصل امر به معروف و نهی از منکر باید نگاهی نو بیندازیم؛ چراکه خود عُرف جامعه با اصل فطرت، این معروف‌های الهی را نشر و کنترل خواهد کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ یعنی روبه‌جلو رفتن. حالا یک دوره بحث در این موضوع هست و ما اینها را در مردم‌شناسی که در همین دانشگاه تهران درس می‌دهیم در فوق‌لیسانس بحث می‌کنیم. ما هنوز از اول بحث خارج نشده‌ایم که شناخت چگونه است. این را که من می‌گویم فقط دو ساعت اینجا داریم و بحث‌ها یک نقشه و پلن دارد که اگر بتوانیم مطرح بکنیم شاید بتوانیم یک خورده بحث را جلو ببریم.

تاریخ‌داشتن یک ملت، عامل پیشرفت

خب، ببینید کشورهای غیرتاریخی مثل امریکا، کانادا مثل استرالیا امروزه چون یک سبقت تاریخی ندارند که پاهایشان را ببندند مشکل دارند. اما برعکس ایرانی‌ها خب اینها تیپ خیلی ساده دارند و حالا بگویم آقای داریوش شایگان را خدا نجاتش بدهد یا رحمتش کند، می‌گوید به نقل مک‌لوهان که این آسیایی‌ها خواب هستند ولی اگر بیدار شدند این مثلاً هفت سال پیش گفته است که اگر آسیا با سابقه تاریخی‌اش از خواب بیدار شد دیگر تمدن غرب برای همیشه افول می‌کند.

خب پیش‌بینی مک‌لوهان در همان کتاب درک رسانه‌ها هست ببینید که الان کم‌کم دارد محقق می‌شود. چون پشته‌توانه تمدنی اگر فعال بشود دیگر آینده‌ای برای امثال کشورهای بدون پشته‌توانه تمدنی نیست یعنی امریکا الان خودبه‌خود در مقابل چین مشکل پیدا می‌کند. اتفاقاً یک‌بار تهدید رئیس‌جمهور چین نسبت به امریکا بر سر همین بود که ای آمریکا! تو هنوز ما را نشناخته‌ای که ما چه سابقه تاریخی و با چه تفکری در جهان هستیم و چه خواهیم کرد. در پرچم‌شان همان دو تا ماهی آن دایره هست که در کره جنوبی است که عدم وجود چگونه با هم‌اند؟ در رابطه با آن بحث کرده بود یعنی ما همیشه به‌شدت در یک حالت توازن هستیم و هیچ‌وقت از تعادل خارج نمی‌شویم. یعنی مثل امریکایی نیستیم!

ارتباطات یعنی خلاقیت در غرایز

این بحث خلاقیت فرهنگی ما چه به آن می‌گوییم؟ می‌گوییم ارتباطات. یعنی غریزه (فرهنگ)، زندگی فرق می‌کند چطوری؟ با نرم‌افزار ساختن ارضاء. خلاصه این غریزه که به آن می‌گوییم فرهنگ یعنی غریزه زندگی ایجاد می‌کند، زندگی برای اینکه ایجاد بشود باید این فرهنگ باشد که این را نرم‌افزاری کند و ارضاء کند این فرهنگ که در انسان مطرح کردیم. همین‌که انسان از اول زندگی، ضعیف‌ترین دوره را می‌گذارند. او بین موجودات، ضعیف‌ترین موجود رحمی، است و برای همین انسان که به دنیا می‌آید با همین ضعفش شروع می‌کند به فرهنگ‌سازی و یادگرفتن. بعد همین ضعیف، به‌شدت خلاق می‌شود یعنی خودبه‌خود یعنی فرهنگ خلاق می‌شود برای ارضاء آن غرایز که می‌شود تاریخ بشر، تاریخ تمدنی این خلاقیت فرهنگی را ما به آن می‌گوییم ارتباطات.

خب این ارتباطات را چه ایجاد می‌کند؟ ما به آن می‌گوییم رسانه. رسانه است که خلاصه این ارتباطات را ایجاد می‌کند. یعنی هرچه رسانه بیشتر است، ارتباطات هم بیشتر می‌شود که موجب تکنولوژی می‌شود. حالا در قدیم رسانه چه بوده است؟ از نقاشی شروع می‌شود، از فرم تکنولوژی شروع می‌شود مثلاً مثل همان چکشی که می‌ساخته و نیزه‌ای که می‌ساخته که خودش بحث است در این قصه تا می‌رسد به خط. حالا تکامل تاریخی آنچه هست؟ یک دنیا بحث است

فتوای ردع و حرمت یک‌جانبه فرآورده‌های ارتباطاتی مدرنیت

خب اولین سؤال که مطرح می‌شود این است که موضع فقه دربارهٔ رسانه چیست؟ اینکه فقه می‌خواهد چه کند؟ تقریباً ما تا امروز و تا همین الآن که اینجا نشستیم فقه همیشه فتوا بر حرمت تکنولوژی ارتباطی داده است!

گفتند رادیو، بوق شیطان است، بلندگو آمد گفتند بوق شیطان است. اینها در تاریخ و اسناد آن هم هست. تلویزیون آمد من خودم یادم می‌آید که گفتند آن آلم شیطان هست و آنتن آلم شیطان هست. یادم هست که ما خودمان تا شب بیست و سوم بهمن پیروزی انقلاب تلویزیون نداشتیم تا اینکه انقلاب پیروز شد و پدرم رفت از برازجان تلویزیون خرید. یعنی حتی پدرم هم که در فرهنگ و ارشاد آن موقع یعنی اداره هنر و فرهنگ بود، اعتقادی به داشتن تلویزیون نداشت!

بعد ماهواره آمد گفتند حرام است. فتوای آیت‌الله اراکی یادم هست که فرمودند ماهواره حرام است کسی که نگاه بکند. فتوای همین آقای ناصر مکارم شیرازی هم در رابطه با حرمت اینترنت هست. هرچه آمد گفتند حرام است. یعنی نحوهٔ مواجههٔ نفی بوده است.

داستان مذهب پس‌گرا و و علم ارتباطات روبه‌جلو

حالا اگر بگویند حرام است، مگر مسئله تمام شد؟ ماهواره ول شد؟ دربارهٔ ویدیو چقدر مردم را اذیت کردیم و گفتیم که حرام است! بعدش سی‌دی آمد و بعد همین‌طور فتواها فتواهای نفی بوده است. حالا ما فقط میدان را باختیم. یعنی هی فتوا دادیم بعداً ول شد! الآن همین تلویزیون را همه و حتی عامهٔ روحانیت هم دارند. من خودم یادم هست در قم که برخی مراجع می‌فرمودند حتی روزنامه‌های آویزان جلوی کیوسک را هم حق ندارید بخوانید! این یعنی یک خرده واپس‌گرایی مذهب که الآن مذهب این شده که جنگ بین مذهب و دین هست. داستان این شده است دیگر که مذهب روبه گذشته است و علم روبه آینده است، مذهب هم‌چنین می‌خواهد برگردد به اصول‌هایش، علم نه کاری به اصول ندارد و همش رو به آینده است، جریان چیست؟

مفاد قرآن: ضد سنت‌گرایی غیرعقلانی

درحالی که عموماً ما تمام ساختارهای مذهبی خود را از قرآن دنبال می‌کنیم، رفتار و برداشت‌های ما رو به گذشته‌گرایی است ولی بدانید اینها برعکس است و قرآن به شدت ضد سنت‌گرایی غیرعقلانی است. قرآن گفت اگر آباء عقل نداشته‌اند شما می‌خواهید آن را دنبال کنید؟ خب در نتیجه سنت به تنهایی کافی نیست و قبول نداشته‌اند.

پس در نتیجه ارتباطات روبه‌جلو هست، دین هم روبه‌جلو هست. دین در عرصهٔ افق‌گشایی دربارهٔ نوع ارتباطات خیلی نقش دارد. چون دین مهم‌ترین عنصر جهان‌پدیداری هست، جهان‌بینی هست، جهان‌بینی نظام معنای را شکل می‌دهد. موقعی که یک معنایی می‌آید، این بازخوردش می‌خورد به ساختار اجتماعی که دارد

روبه جلو می رود مثل تکنولوژی. این را هم به شما بگویم هیچ وقت دین تعطیل نمی شود، هیچ وقت هم تعطیل نشده است، نداریم کسی را هم که بگوید: دین تعطیل شده ولی خودش دین نسازد!

گونه های غرایز

جمهوری اسلامی که می گوید من یک جمهوری ارزشی هستم یعنی یک جمهوری عقیدتی هستم، اگر دیر بجنبند همه چیزش را از دست می دهد. متوجه بشوید خیلی بحث داریم. ما چند نوع غریزه داریم. اول، غریزه گرسنگی است که همین اقتصاد روی آن پیدا می شود و غریزه مختص به حیوانات و گیاهان که از این غریزه رد می شویم. این اگر ارضاء بشود به غریزه جنسی می رسیم که غریزه ای کاملاً حیوانی است. یعنی گیاهان غریزه جنسی ندارند ولی در حیوانات غریزه جنسی شروع می شود. اگر از این مرحله بگذریم به غریزه ارتباطی می رسیم که کاملاً انسانی هست. خب ما اول انقلاب بخوربخور بود و ایرانی ها غالباً همه چاق شده بودند و به شدت بیماری دیاب و قلب داشتیم.

تا یک خورده پیشرفت کردیم، در ایران غریزه جنسی فعال شد: پرنوگرافی و... . حالا چون نمی خواستیم راهش بدهیم، پرنوگرافی شد آموزش جنسی، شد سکس ماهواره ای و قصه هایی که الان داریم هی بگیر و بند داریم. مثل ماهواره و اینترنت که با نیروی انتظامی از پشت بامها آنتن برمی داریم و یا در خانه ها که ویدیوها را جک می کردیم. آن موقع یادم هست برای دولت میرسلیم و هاشمی رفسنجانی ما در پروژه ای مرتبط با پرنوگرافی کار می کردیم، با همین سید جواد شوشتری (رئیس دفتر وقت قالیباف)، ما در جهاد کار می کردیم. نتایج اینها را بردیم که اینها حتی جرأت نکردند تاپیش کنند و همین طوری بردند برای آقایان در کشور که ببینند. ما به دست آوردیم که چه تجارت و اقتصادی در قصه پورنو در ایران هست و متأسفانه با آن قصه دوره جنسی برخوردار عالمانه و عاقلانه نکردیم و شکست خوردیم. یعنی همین طوری خودش آمد و همین طوری هم خودش رفت و هنوز هم ادامه دارد. الان سی دی مستهجن و بویژه اینستاگرام جایش را گرفته است و دسترسی به اینترنت هم هست و هرچه می خواهند با روح و مال مردم تجارت می کنند.

خب الان به دوره ارتباطاتی رسیده ایم یعنی دوره ارتدادکردن است؟ یعنی دینی که مهم ترین مقوله ارتباطی است باید می آمده آن نیازهای ارتباطی انسان و آن غریزه را ارضاء کند، کارش فتوای حرمت دادن است؟ مردم که غریزه شان تعطیل نمی شود دیگر! اگر قرار باشد بین دین و زندگی مردم زندگی انتخاب می کنند، روی دین خط می کشند، قرآن رویش خیلی مانور داده است و متأسفانه ما این طوری روی این بحث نگاه نکرده ایم که قرآن به شدت می گوید مردم راه خودشان را می روند مگر شما یک راهی پیدا بکنید یا پیغمبر بیاید و کاری انجام بدهید که حالا اگر کتاب ما کتاب آخرالزمان است هی ما می گوئیم قرآن که آخرین کتاب است حالا در عمل باید نشانش بدهیم.

توحید مفضل

مثل توحید مفضل که بنده به شدت به آن علاقمندم. من سر کلاس دکترا در چالش اسلام و دنیای معاصر چندین جلسه در رابطه با توحید مفضل صحبت کردم. خیلی بحث‌های عمیقی دارد. اتفاقاً می‌خواستم بعدش به یوسف اباذری بدهم. به او گفتم که چنین چیزی هست و گفت قشنگ است و برای من بیاور.

شروع دوران ارتداد

پس ما الآن چون نتوانسته‌ایم از نظر فقهی با ارتباطات برخورد کنیم که یک واقعیت بسیار مسلمی هست ما در جامعه دچار ارتداد می‌شویم. این ارتداد تازه شروع شده است و تنها راه نجات این است که دوباره ما مطالبه همه‌جانبه‌ای از دین را شروع کنیم با تمام رشته‌های دانشگاهی با تمام رشته‌های علمی تا بتوانیم نجات بدهیم. بحث را مثلاً برفرض، اگر این تاریخ من این کتابش را از آلمان برایم آورده‌اند واسطه‌ای که در سفارت آلمان بود برای ما می‌آورد، این عکس‌ها را دیده بود و چون حالا متنش را نمی‌توانست، بخواند کلی سؤال داشت که تاریخ جنسی بشر چه بوده است و چه باید کرد. ما همیشه مشکلی که داریم ندانستن تاریخ علوم و اندیشه‌ها است. موقعی که تاریخ نداریم، آینده نداریم یعنی ما همیشه با تاریخ به آینده می‌رویم. اگر ما مبنای یک دین تاریخی نداشته باشیم، خودبه‌خود نسبت به آینده وهم داریم و جهل داریم و ترس داریم. کشوری مثل ترکیه همش از آینده می‌ترسد. متن‌های علما در دوره مشروطه را بخوانید. حالا این متون را یکی‌یکی دارند چاپ می‌کنند و ما تازه داریم متوجه مثلاً ۱۰ سال گذشته‌مان می‌شویم!

نهادسازی اجتماعی مانند نهاد خانواده

الآن یک بحث بسیار مهم در این قصه الآن این بحث همه دنیای امروز، همه دنیا دارند بحث می‌کنند ساختاری‌سازی در نهادهای اجتماعی است. این نهادهای اجتماعی باید به وجود بیاورد که این غرایز را ارضاء کند و به‌صورت غالب‌مند و هنجارمند و عقلانی پیش ببرد. ما به آن می‌گوییم نهاد خانواده که الآن یک نهاد برای ارضاء غریزه جنسی سطحی می‌باشد. مثلاً در ایران کار کند یا نتوانسته است بحث دیگری است. مثلاً شکست در این نهاد یعنی اوج‌گیری طلاق. ازدواج هم نمی‌کنیم یعنی در ایران خانواده به‌شدت دارد نابود می‌شود و دارد فروپاشی می‌کند چون غریزه جنسی به‌صورت مشروع نمی‌تواند ارضاء کند.

رجوع به زوایای منیع فطرت

خب، با این ساختار الآن همین عقلانی مشکل پیدا کرده‌ایم ما در اسلامی هم در بعد جهان امروز برخورد کردند با همین ارتباطات. ما یک کاست رکشن داریم و یک اینیستویوشون که مهم‌ترین مبنای ما در کانست‌رکشن در بُعد فطرت است که همان غریزه است که راه‌حل می‌دهد. حالا خود فطرت چیست؟ من وارد آن نمی‌شوم که همه می‌دانید: «فطرة الله التي فطر الناس عليها». جان مردم بر این فطرت بنا شده است. دقت دارید که فطرة الناس عليها نیست! بلکه فطرة الله است! ما همین لفاظها را خیلی نباید راحت تفسیر کنیم. در فطرت بحث انسان نیست بحث مردم است. مردم به چه کسی می‌گوییم؟ به گروه انسانی با فرهنگ خاص که در یک

حوزه جغرافیای خاص زندگی می‌کنند. حالا بحث زندگی با فرهنگ خاص با آن غریزه خاص است. پس در نتیجه ما هرچه فطرت شکوفاتر شود، غرایز انسان هم شکوفاتر می‌شود.

کامن سنس: شعور عمومی یا عقل سلیم عرفی

غربی‌ها می‌گویند در بُعد سیاسی که قدرت تشکیل می‌دهد گفتند، کامنسنس هست یعنی دموکراسی و برعکس آنهایی که کلک زده‌اند و خرابش کرده‌اند مثل امریکا اگر تانسی بحث‌هایش را نگاه بکنید در امریکا هم رمانش هست و هم نوشته فارسی آن هست. کامنسنس ترجمه‌اش کرده‌اند در دیکشنری هم که نگاه کنید به نام عقل سلیم یعنی مردم از آن جهت که کامنسنس دارند هرگز اشتباه نمی‌کنند، عقل سلیم دارند.

حالا همین دموکراسی مبنایش چیست؟ همین کامنسنس که در امریکا هست بحث تامپی حالا اگر دوستان خواستند دو تا کتاب حداقل داریم در موردش که دموکراسی امریکا روی همین کامنسنس بنا شده است. در کاخ سفید کنارش این مردم‌گرایی به شدت جدی است در آنجا حتی سیاه‌پوست‌ها آمده بودند. اینها معنا دارد و در امریکا کامنسنس شعور عمومی است که حالا ما ترجمش می‌کنیم به صورت لغوی شعور عمومی. کامنسنس حالا ترجمه بد هم شده است یعنی عقل سلیم و قلب سلیم. یعنی همان که در قرآن براساس حکمت ابراهیمی داریم: قلب سلیم.

امر به معروف و نهی از منکر

در همه دنیا زنا بد است، همه دنیا بروید دزدی بد است، همه دنیا که بروید دروغ بد است. من ندیدم جایی که بگویند دروغ خوب است! من حداقل در نصف جهان چرخیده‌ام ندیده‌ام کسی واقعاً بگوید دروغ خوب است و همین‌طوری می‌گویند اخلاق و تقوی خوب است. خب اگر مهم‌ترین مبنای اخلاقی کامن سنس همین ظلم و عدل است و این عدالت را هم مردم تشکیل می‌دهند بنابر خود بحث‌های اسلامی با این ساختار به چه چیزی می‌رسیم؟ ما به یک سیستم در فقه می‌رسیم که متأسفانه هیچ کاری روی آن نشده است و آن امر به معروف و نهی از منکر است. این کار کیست؟ حاکم یا مردم؟ مبنای اسلامی‌اش این است که حاکمش امر به معروف نمی‌کند بلکه امت این کار را می‌کند. بحث‌های قرآنی‌اش هم دقیقاً همین است یعنی امت امر به معروف می‌کند نه حاکم. و این انحراف تاریخی از عمر به بعد رخ داده است.

معروف و عرف

خب معروف چیست؟ اگر امت خواست امر به معروف کند، معروف از کجا آمده است؟ خب همان عرف است و برمی‌گردد به عرف. عرف چطور شکل می‌گیرد؟ حالا اهل سنت بیشتر از ما روی این کار کرده‌اند. عرف که براساس همین زندگی شکل می‌گیرد همان سبک زندگی است که امروز می‌گویند. عرف و معروف که داخل مردم هست و از جایی نمی‌آید. الآن به من اعتراض کنید به من که بگویند از کجا می‌گویید، می‌گویم خود قرآن گفته است ذکر است و ما چیز جدید نیاورده‌ایم، و همه‌اش یک یادآوری است: «ان هو الا ذکر للعالمین» خب این

ذکر، یادآوری چه هست؟ فطرت است و که دانشی که یادآوری فطرت می‌کند حکمت است و قرآن پر است از این حکمت‌ها. خیلی از اینها را ائمه (علیهم‌السلام) هم داشته‌اند ولی برای ما بی‌معنا بوده است. به بحارالانوار هم که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که پُر است از این بحث‌ها. یعنی مردم به ماهو مردم، دارای قلب سلیم هستند. البته فطرت‌شان پوشانده می‌شود ولی حکمت می‌آید و این فطرت را دوباره شکوفا می‌کند. حالا حکمت چیست؟ حالا عقل عملی اسمش را می‌خواهید بگذارید، عقل نظری نیست، فلسفی نیست، سوژه نیست، در زندگی روزمره شکل می‌گیرد که مردم هم به ماهو مردم، زندگی روزمره‌شان شکل دارد.

مردم به ماهو مردم، معروف را تشخیص می‌دهند و خودشان هم امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. منتهی فقه می‌آید اینها را بیشتر کمک کند. اگر بفرض یک جایی گفتند که (متأسفانه) خدا دستور داده است زنا کنید قرآن می‌گوید کی خدا دستور داده زنا کنید؟ فقها آن موضع فتوا را مشخص می‌کنند. در معابد بزرگی مثل معبد ژوپیتتر همش این بوده که هم عبادت‌گاه داشتند و هم فحشاخانه و مشروب‌خانه! در فیلم‌ها این را نخواسته‌اند به شما نشان بدهند ولی این بوده است. معبد ژوپیتتر، طبقه پایین آن مشروب‌خانه و عمل جنسی انجام می‌شده است و بالا می‌آیند برای عبادت. آنها کاملاً دین فحشا را ساختاری می‌کنند که می‌گوییم باید دین‌سازی بشود در همه‌چیز در اینجا هم دین‌سازی شده است.

خب معروف در مردم اگر خود مردم معروف دارند این کار را انجام می‌دهند می‌توانند امت خودش امر به معروف و نهی از منکر کند. پس در این قصه نقش امام چیست؟ امام همین معروف‌ها را تعریف می‌کند و بسطش می‌دهد و فرمان خدا را در جایی که مشکل فهم دارند، اعلام می‌کند.

س: یعنی شما نقشی که به عامه مردم به عموم مردم می‌دهید جدای از وحی اگر در نظر بگیرید این به بی‌راهه می‌رود کما اینکه در جوامع غیر اسلامی مثل بودا این بوده است.

استاد: شما همیشه می‌ترسید.

س: ترس نیست بحث واقعیت تاریخی است.

استاد: شب‌ها مستند قانون اساسی را نگاه بکنید. در این مستند قانون اساسی، آن خدا پیامرزشهید هاشمی‌نژاد همش می‌ترسید سرمایه‌داری بیاید؛ اما آقای بهشتی بیچاره خودش را می‌کشد که اینها متوجه بشوند این نیست. ایشان می‌گویند نظام اقتصادی این می‌گوید مالکیت، شما گفتید مالکیت دولتی کجای اسلام گفته است؟ آقای صافی گلپایگانی دارند خودش را می‌کشند. نگاه کنید می‌بینید که چقدر بحث است این ترس را خواهشاً کنار بگذارید. من بحثم این است که فطرت را ببینید! فطرت در مردم بحث جا بازکردن و همچنین بازدارندگی دارد. اگر فطرت را با روش قلب سلیم برویم هرگز مردم به خطا نمی‌روند ولی همیشه برخی بزرگان قوم و حتی متدینان یعنی بخش زیادی از علمای دین هستند که با عمل‌کردشان و قرائت ناسالم‌شان از دین، انحراف ایجاد می‌کنند.

حالا یک نکته بسیار مهم این است که در قرآن این نیست که فقط الآن و وضعیت فعلی را بگوید، بلکه گاهی رو به آینده هم هست. حتی می‌گوید هرچه به آینده برویم فطرت هم بیشتر و بیشتر آشکار می‌شود: «سُنُّرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»: «به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است (فصلت: ۵۳)

یعنی می‌گوید فطرت در تاریخ باعث پدید آمدن آدم‌های متدین‌تر می‌شود. امام جعفر صادق (علیه‌السلام) فرمود آن شش تا آیه اول سوره حدید: «هو الاول والظاهر و الباطن و هو بكل شیء علیم» تفسیر این را در آخر الزمان می‌فهمند که اینها حکمت‌اند و همه علم یعنی فطرت در آخر الزمان بیشتر آشکار می‌شود. لذا اتفاقاً ما در تکامل هستیم و باید خوشحال باشیم و به رسالت‌مات نسبت به رسانه‌ها و اینترنت و تمام تکنولوژی بهتر عمل کنیم.